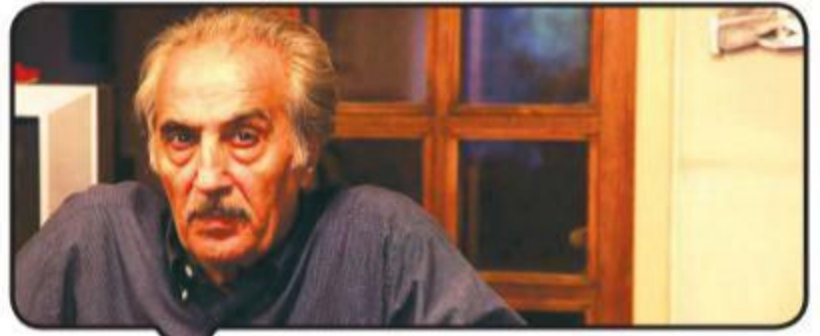


سپانلو متهم می‌کند:

این شعر فروغ نیست



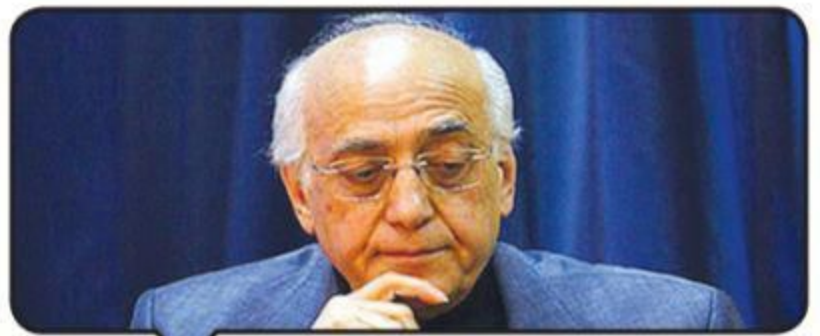
با نگاهی به آثار فروغ می‌شود گفت که او ترانه‌سرا نبود و ظاهراً هم هیچ نشانه‌ای از تمایل او به همکاری با خوانندگان روزگارش وجود ندارد. تنها مورد استثنایی ترانه «خموشی‌های ساحل» - یکی از دو اجرای محمد نوری از اشعار او- است که گفته می‌شود به قصد اجرا سروده شده است. این ترانه حاشیه زیاد دارد. کوچک‌ترینش اینکه سال ۱۳۸۲ نوری مجبور شد برای انتشار مجدد آن در آلبوم «شکوفه در شکوفه» کل ترانه را بازخوانی کند. به علت اینکه یکی از مصرع‌ها مورد داشت و باید به «می‌تراود عطر شادی از وجود گل‌فشانت» تبدیل می‌شد. موسیقی این ترانه اثر محمد سرپر ذکر شده اما نکته جالب اینکه آهنگ اصلی کاری از آمریکای لاتین و ساخته کلیف بارمن است. این آهنگ توسط خوانندگان مختلفی اجرا شده، از جمله در سال ۱۹۵۳ که نات کینگ کل فکید ترانه «Pretend» را روی آن خواند.

این ترانه رویایی است

محمد سرپر تاکید دارد «خموشی‌های ساحل» تنها شعری بوده که فروغ فرخزاد به قصد ترانه شدن سروده است. خود محمد نوری هم در ویدیوی یکی از کنسرت‌هایش هنگام معرفی این ترانه می‌گوید: «این آهنگ را هم شنیده‌اید، باز هم یکی از خاطره‌های خود شماست که از کشورهای آمریکای لاتین است و شعر آن از فروغ فرخزاد». از آنجایی که متن این شعر در هیچ کدام از چاپ‌های اول کتاب‌های فروغ دیده نمی‌شود (بعدها به مجموعه «عصیان» افزوده شد) شک و گمان‌های بسیاری در موردش مطرح است. از جمله روایت محمدعلی سپانلو که نمی‌شود به آسانی از کنار آن گذشت. سپان شاعر در کتاب «بن‌بست و شاهراه» می‌نویسد: «... خانه‌ی ابدالله رویایی در خیابان سینا - نواب بود. زنگ می‌زد که محمد نوری این‌جاست، پاشو بیا. ما می‌رفتیم آن‌جا. محمد نوری با دهان رنگی می‌زد و رویایی هم شعرش را می‌نوشت. از جمله شعر معروفی که محمد نوری اخیراً ادعا کرده که فروغ فرخزاد گفته، در حالی که رویایی گفته است. برای اینکه امضای رویایی این بود که از کلمه «رویا» زیاد استفاده می‌کرد: «این منم خفته در آغوش رویا چه رویایی، چه رویایی». من گمان می‌کنم محمد نوری برای اینکه کارنامه خودش را کامل کند، چنین مطلبی را گفته است» (بن‌بست و شاهراه، انتشارات بن‌پاپ- استکهلم)

محمد سرپر:

این ترانه بدون شک از فروغ است



حالا هیچ کدام از این سه نفر حاضر در ماجرا در بین ما نیستند تا حقیقت را سوال کنیم. نه فروغ، نه محمد نوری، نه سپانلو و نه حتی «پوران فرخزاد» خواهر و میراث‌دار فروغ است. فقط محمد سرپر است که شاید گره این راز را باز کند او توضیح می‌دهد: «می‌دانید که اصل آهنگ غربی است و خانم فروغ فرخزاد روی آن شعری گذاشت بودند. ما سال ۴۵-۴۶ از این آهنگ معروف یک اجرای جوان پسند برای برنامه جوانان داشتیم. اما من در جریان اجرای دوم این ترانه نبودم و اصلاً آن را نشنیدم. چیز خاصی هم نبود، چون وقتی ملودی وجود دارد تنظیم آهنگ کار مهمی نیست و هر کس به سلیقه خودش آن را انجام می‌دهد». این آهنگساز قدیمی در پاسخ به سوال «ترانه خموشی‌ها از کجا به دست شما رسید؟» می‌گوید: «به دست آقای نوری رسید. این قضیه مربوط به اواخر دهه ۳۰ است که فروغ شعر را به آقای نوری داده بود. ولی ما بعدها در سال ۴۴-۴۵ اجرائش کردیم. سال ۹۰ که مرگم یادبود محمد نوری در تالار وحدت بود هم این ترانه با پیانو و صدای رشید وطن دوست اجرا شد؛ که آنجا هم گفتیم این شعر فروغ است». سرپر با رد نظریه سپانلو ادامه می‌دهد: «نه نه، این شعر از آقای رویایی نیست. البته آقای رویایی قطعاتی برای محمد نوری گفتند که خود من هم آهنگشان را ساختم، اما این ترانه بدون شک از فروغ فرخزاد است و توسط خود او به دست محمد نوری رسیده بود.»

سحرش هنوز در خانه مادری بود



شعر فروغ را علاوه بر ایرانی‌ها، فارسی‌زبانان افغانستان و خوانندگانی در سایر زبان‌ها نیز اجرا کرده‌اند. علاوه بر هانا شیگولا و مارلیز پترسون که ترجمه آلمانی اشعار او را روی صحنه خوانده‌اند، کزمال آدمی بر اساس شعر «اسیر» اجرائی به زبان کردی داشته و همچنین مرال مهتاب، خواننده ترکیه‌ای، شعر «گمشده» را به ترکی استانبولی اجرا کرده است. اما بیشترین توجه به آثار فروغ در میان موسیقیدانان افغانستان به چشم می‌خورد. گفته می‌شود در این کشور همسایه و هم‌زبان اشعار مجموعه «اسیر» محبوب‌تر است و همه فروغ را با صدای گرم احمد ظاهر می‌شناسند.

افغانستانی‌های پیشرو

در حقیقت احمد ظاهر از پیشگامان فروغ‌خوانی به حساب می‌آید. او از سه-چهار دهه پیش با خواندن «دینار تلخ»، «گریز و درد» و «دعوت» (همه از مجموعه اسیر) آثار فروغ را به موزیک پاپ افغانستان وارد کرد. عجیب اینکه او با اجرای ترانه «مرگ من» (شعر «بعدها») انگار مرگ نابهنگامش را پیش‌بینی کرده بود و به جمع فروغ و دیگر نزدیکان او پیوست که مرگ تراژیک داشتند.

رحیم جهانی هم از جمله آوازخوانان معروف افغانستانی است که با اجرای شعر «سوج» (از مجموعه دیوار) یکی از ماندگارترین ترانه‌های خود را رقم زد. همچنین احمد ولی که شعر «رفتم مرا ببخش» را خوانده است.

اسا جلیل زلاند آنقدری که پسرش «فرید» برای ما شناسست، در ایران شناخته نشده. این آهنگساز افغانستانی در سفرش به تهران علاوه بر معرفی موزیک کشور خود به ایرانی‌ها برای خیلی از خوانندگان بزرگ پاپ ما آهنگ‌های ماندگاری ساخت. یکی از کارهای جالب جلیل زلاند آهنگسازی و خواندن اشعار فروغ بود و روایت جالبی از ملاقات با خانواده فرخزاد دارد. یک بار که او به دیدن مادر فروغ رفته بوده، چنان تحت تأثیر قرار می‌گیرد که در کمتر از یک ساعت روی شعر «دختر کنار پنجره تنها نشست و گفت» آهنگی ساخت (دختر و بهار، از مجموعه اسیر). این ترانه طرفداران زیادی پیدا کرد و در افغانستان بیشتر از ایران شنیده شد.



«ویژه‌نامه» انتشار آلبوم «فروغ» با صدای علیرضا قرینانی بهانه‌ای شد تا به ارزیابی آثار موسیقایی بهره‌مند از اشعار فروغ فرخزاد بپردازیم. سنجش کارنامه این آثار حکایت از...